

پژوهشی در تاریخ بنیان عمارت شمس‌العماره کاخ گلستان

عباس خاکسار

کارشناس موزه‌داری و پژوهشگر تاریخ قاجار
Fardin1540@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۸ / ۴

تاریخ پذیرش: ۹۵ / ۱ / ۱۷

چکیده

شمس‌العماره که به درخواست ناصرالدین‌شاه، مشابه بناهای اروپایی در ضلع شرقی ارگ سلطنتی ساخته شده، ساختارش تلفیقی از معماری سنتی و مدرن است که در زمان احداث، بلندترین بنای تهران و نماد پایتخت محسوب می‌شد. اعتمادالسلطنه و به دنبال او دیگر محققان تاریخ قاجار، تاریخ ۱۲۸۴ق را سال ساخت بنا عنوان کرده اند، ولی وجود کتیبه‌ای در یکی از مخازن کاخ گلستان سبب شد تا بار دیگر این بنا از نظر تاریخی و معماری بررسی و تجزیه و تحلیل شود. این کتیبه کاغذی شامل ابیاتی است که توضیحاتی در مورد بنایی خاص و سازنده آن می‌دهد. در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد آن دوره، مانند کتب مرجع قاجاری و اسناد تصویری و خطی و همچنین نقشه‌ها و نقاشی‌های مرتبط با آن، تعلق کتیبه به شمس‌العماره محرز شد و بر اساس آن تاریخ احداث ۱۲۸۳ق است. در ادامه نوشته به علل حذف کتیبه از پیکره بنا پرداخته شده و همچنین با توجه به مطالعات میدانی و مقایسه بناهای مشابه در کاخ گلستان (تالار آینه)، محل کتیبه مذکور در تالار اصلی و شاه‌نشین شمس‌العماره معین شد. نگارنده در این بررسی به روند تغییرات بی‌شمار به‌وجودآمده در بنا که به سبب کاربری‌های مختلف صورت پذیرفته، اشاره کرده است؛ بنایی که در واقع برای نظاره کردن اطراف شهر بنیاد شده بود، به محلی برای برگزاری مراسم سلام‌های خاص و ملاقات‌های درباری و همچنین تلگرافخانه شخصی شاه در اتاق گوشواره شمالی تبدیل می‌شود. همچنین شناسایی میرزا غلامرضا خوشنویس به عنوان خطاط کتیبه از دستاوردهای این تحقیق است.

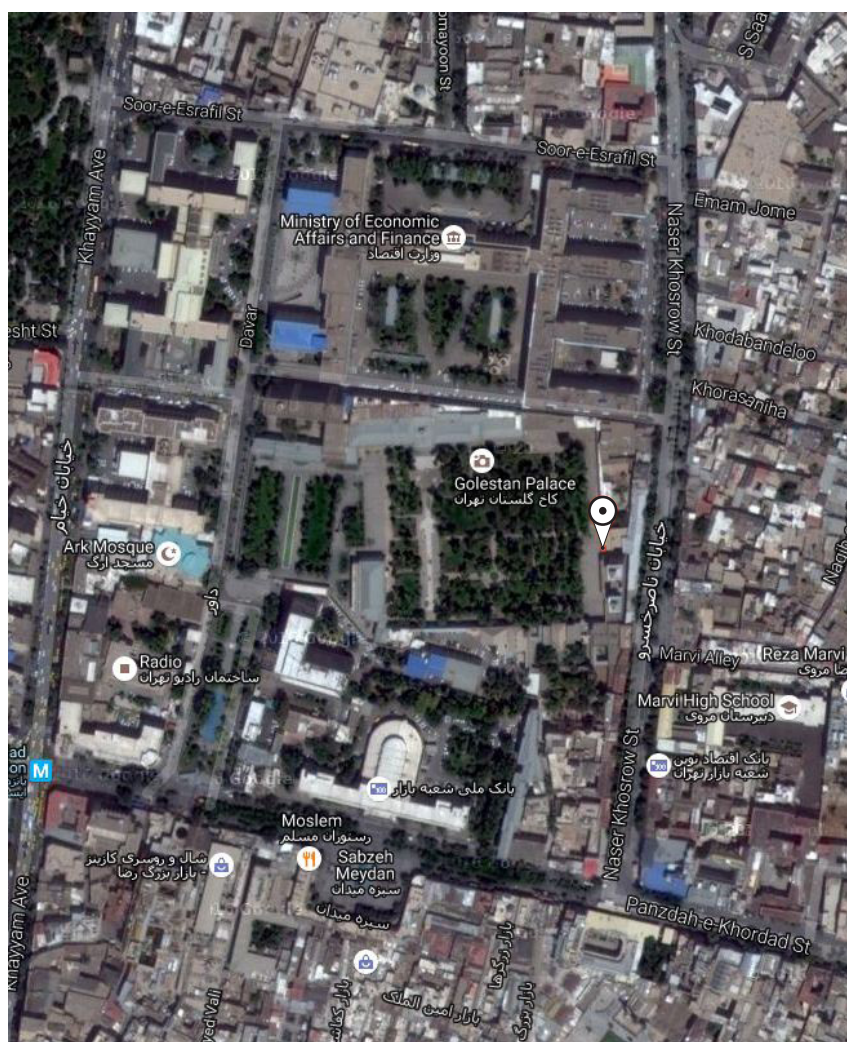
واژه‌های کلیدی:

کتیبه، شمس‌العماره، معیرالممالک، اعتمادالسلطنه، میرزا غلامرضا خوشنویس.

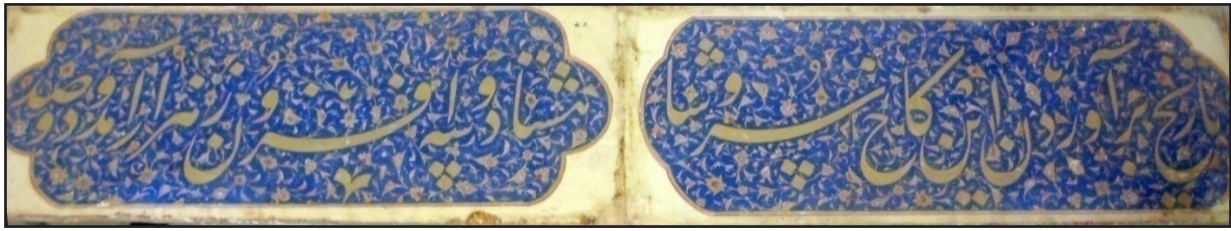
مقدمه

شمس‌العماره مرتفع‌ترین بنای پایتخت در دوره قاجار است. بنایی که ناصرالدین‌شاه قبل از سفر به فرنگ، با الهام از بناهای آن دیار، دستور ساختش را به دوست‌علی‌خان معیرالممالک می‌دهد و ظاهراً قصدش دیدن مناظر اطراف است و لیکن بعدها با ایجاد تغییرات عمده در بنا - که به آن خواهیم پرداخت - مانند دیگر ابنیه ارگ سلطنتی، کاربردی چندمنظوره همچون برگزاری سلام‌های خاص، پذیرایی از میهمانان، ملاقات با سفرا، تلگراف‌خانه شخصی شاه، و... پیدا می‌کند. این بنای پنج‌طبقه دو برج بلند که از همه جای دارالحکومه قابل رویت بود، در سمت شرقی ارگ سلطنتی

و در مجاورت عمارت بادگیر ساخته می‌شود. شمس‌العماره نخستین کاخی است که ناصرالدین‌شاه بدون هیچ واسطه و مراسم خاصی، می‌توانست از فراز آن نظاره‌گر زندگی عادی و روزمره مردم در خیابان ناصری (ناصرخسرو) و مناطق اطراف شهر باشد (تصویر ۱). در تمام کتب تاریخی سال اتمام این بنا را ۱۲۸۴ق ذکر کرده‌اند. لیکن با شناسایی کتیبه‌ای کاغذی در یکی از مخازن کاخ گلستان، بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد از قبیل کتب، نقشه‌ها، نقاشی‌ها، و تصاویر آن دوره، تعلق کتیبه مزبور به شمس‌العماره محرز شد و تاریخ احداث بنا تصحیح شد. سپس بر پایه میدانی و مقایسه این عمارت با بناهای مشابه، ابتدا محل نصب آن



تصویر ۱. عکس هوایی کاخ گلستان (ارگ سلطنتی). شمس‌العماره با نشانه سفید مشخص شده است (مأخذ: Google Earth).



تصویر ۲. یکی از قطعات کتیبه شمس‌العماره که تخلص شاعر و تاریخ بنا در آن نوشته شده است (عکس از نگارنده).

تعیین و علل حذف آن از بنا بررسی شد.

بر طبق اسناد به‌جای‌مانده از دوره قاجار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ج ۳: ۱۵۶۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۱ج ۱: ۸۴-۸۳ و ۱۰۵) شمس‌العماره تنها بنایی است که به عنوان کاخ، توسط دوست‌علی خان معیرالممالک برای ناصرالدین‌شاه ساخته و به او اهدا شده است. ولی در تمام اسناد موجود سال ساخت بنا ۱۲۸۴ق ذکر شده است. در صورتی که در کتیبه، سال ساخت بنا ۱۲۸۳ق آمده است. اکنون با طرح مواردی به بررسی موضوع فوق می‌پردازیم.

کتیبه

کتیبه موجود در مخزن کاخ گلستان در قالب شعر سروده شده و به خط نستعلیق با آب طلا روی کاغذ نوشته شده است و شیشه‌ای روی اشعار قرار گرفته است. هر بیت کتیبه مجزا درون قابی به رنگ لاجورد با طرح بازوبند نوشته شده و با نقوش گل و بوته، به رنگ‌های سرخ، سبز، آبی، سفید، صورتی، و نارنجی مزین شده است. طرح‌های بسیار زیبایی اسلیمی که با آب طلا کشیده شده، درون این قاب و بین خطوط خودنمایی می‌کند. این کتیبه در ۲۶ قاب جا گرفته است، بیست قاب بیتی کامل را در خود دارد و در شش قاب دیگر یک مصرع نقش بسته است. اندازه شیشه‌های پوشاننده قاب‌های تک‌مصرعی، ۳۷ تا ۳۹ در ۱۵ تا ۱۶ سانتیمتر و اندازه شیشه‌های قاب‌های دومصرعی ۷۶ تا ۷۸ در ۱۵ تا ۱۶ سانتی‌متر است. طول همه قاب‌های حاوی کتیبه یکسان و ۳۷ سانتی‌متر و عرض آنها ۱۳ تا ۱۴ سانتی‌متر است.

تعلق آرایه خط به شمس‌العماره

سروش اصفهانی در ابیاتی دوبار از کلمه «مشید» استفاده می‌کند. این واژه بدین معناست: «به گنج و چونه محکم کرده شده، شیداندود، اندودشده از گنج و آهک و جز آن، بنایی به گنج کرده» (لغتنامه دهخدا، ذیل «مشید»). با توجه به تصاویر قدیمی وجود تزیینات گچبری در ایوان کاملاً مشهود است (تصویر ۳).

در جبهه شمالی ایوان به جای آینه، شیشه‌ای قرار گرفته که در پشت آن مقداری گچبری نمایان است که مؤید موضوع فوق است (تصویر ۴).

در داخل تالار و اتاق‌ها نیز با توجه به اینکه تزیینات بنا در طی سالیان متمادی دستخوش تغییرات زیادی شده است، باز هم می‌توان گچبری‌ها را مشاهده کرد (تصویر ۵) که دلیلی محکم برای تعلق این کتیبه به شمس‌العماره است.

مدت زمان ساخت شمس‌العماره

دوست‌علی خان سوم^۷ از ساخت کاخ شمس‌العماره در مدت چهار سال توسط پدر بزرگش برای ناصرالدین شاه خبر می‌دهد (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۴۳) ولی پسرش محمدعلی

در بازخوانی کتیبه^۱ نام شاعر و سال سرودن آن مشخص شد (تصویر ۲). متن این کتیبه در دیوان سروش اصفهانی^۲ (سروش اصفهانی، ۱۳۴۰: ۸۳-۸۲) ذیل شعری در مدح ناصرالدین‌شاه و سروده شده در سال ۱۲۸۳ق آمده است اما تعداد ابیات آن بیشتر از ابیات کتیبه است. شعر سروش اصفهانی در دیوانش ۲۹ بیت است. اما یک بیت در کتیبه وجود دارد که در دیوان نیامده است.^۳ بدین ترتیب استنباط می‌شود که یا از شعر سروش یک بیت در هنگام چاپ دیوانش افتاده یا اینکه به علتی خاص بیتی به کتیبه اضافه شده باشد. در بین ابیات از دوست‌علی خان^۴ نیز نام برده می‌شود که کاخی را برای ناصرالدین‌شاه ساخته است.^۵

معیری در مقاله‌های (معیری (مسحور)، ۱۳۵۲: ۶۴۸-۶۵۱) این زمان را به دو سال کاهش می‌دهد. برای اثبات اینکه کدام گزارش به واقعیت نزدیک‌تر است مطلبی را از اعتمادالسلطنه نقل می‌کنیم. او از احداث بنایی دوطبقه با هشتاد و دو اتاق سخن می‌گوید که در مدت کوتاهی برای ناصرالدین‌شاه ساخته می‌شود ولی بعدها به علل مختلف منهدم می‌گردد. اما از آنجا که بنا با مصالح عالی ساخته شده بود این کار به سختی و با استفاده از باروت صورت می‌پذیرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۱، ج ۱: ۸۴ و ۹۶-۹۷). مطلب فوق بیانگر این است که بناهای داخل ارگ سلطنتی اولاً با بهترین مصالح و به دست مجرب‌ترین معماران برپا می‌شد و ثانیاً همه کارها می‌بایست در حداقل زمان و با حداکثر سرعت به پایان می‌رسید و برای استفاده شاه آماده می‌شد. پس می‌توان احتمال داد که شاید ساخت این بنا در دو سال به طول انجامیده باشد. بنابراین احداث بنا در سال ۱۲۸۱ یا ۱۲۸۲ ق آغاز شده است. البته لازم به ذکر است در مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان، آلبومی^{۱۲} وجود دارد متعلق به آقا رضا عکاس‌باشی، که عکس‌های شماره ۲۵ و ۲۶ آن ابتدای ساخت شمس‌العماره را نشان می‌دهند. در زیر عکس شماره ۲۵ تاریخ ۱۲۸۰ ق به عنوان ابتدای ساخت شمس‌العماره دیده می‌شود. البته هیچ نمایی از این بنا در عکس قابل رویت نیست و فقط قسمت‌هایی از جبهه جنوبی عمارت در عکس دیده می‌شود (تصویر ۶). در عکس شماره ۲۶ تاریخ به‌وضوح دیده نمی‌شود (تصویر ۷)، لیکن با توجه به وجود عکس‌هایی با تاریخ ۱۲۸۱ ق در این آلبوم و همچنین تغییرات قابل توجهی که در جبهه جنوبی بنا در عکس رویت می‌شود، می‌توان تاریخ آن را ۱۲۸۱ ق تخمین زد.

تاریخ شروع احداث شمس‌العماره

در بررسی وقایع سال ۱۲۸۲ ق سند و مدرکی، دال بر ساخت این بنا یافت نشد. اما میرزا ابوالحسن خان صنیع‌الملک غفاری از برگزاری سلام خاص هنگام تحویل سال جدید در تالار شمس‌العماره به سال ۱۲۸۳ ق خبر می‌دهد (صنیع‌الملک، ۱۲۸۳ ق: نمره ۶۰۱). البته این خبر، سال ساخت بنا را



تصویر ۳. نمای شمس‌العماره

(مأخذ: عکس ۱۴، آلبوم ۱۹۳، مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).



تصویر ۴. گچبری زیر شیشه بر بدنه شمالی ایوان شمس‌العماره (عکس از نگارنده).



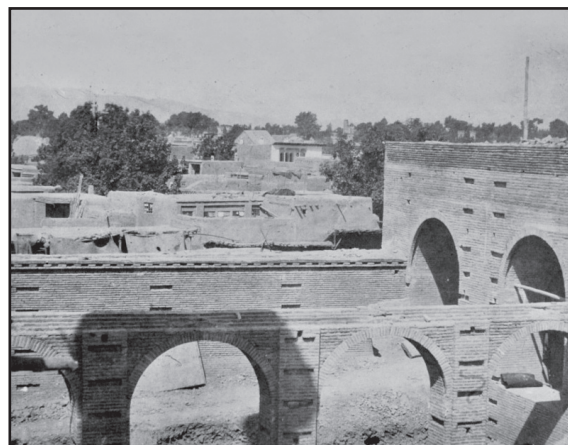
تصویر ۵. قسمتی از گچبری تالار شاه‌نشین شمس‌العماره.

مدت زمان ساخت شمس‌العماره (عکس از نگارنده).

مشخص نمی‌کند و ممکن است شبیهاتی برای خواننده ایجاد کند که شاید تالار بنا برای این مراسم آماده شده و مابقی عمارت در سال بعد به بهره‌برداری رسیده است. لیکن با توجه به گفته‌های نوۀ معیرالممالک و پسرش (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۴۳؛ معیری (مسحور)، ۱۳۵۲: ۶۴۸-۶۵۱) که روز افتتاح شمس‌العماره با برپایی جشن و مراسمی خاص همراه بوده، این فرض منتفی می‌شود.

ضمناً علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه^۸ در معرفی میرزا عبدالوہاب ملقب به میرزا محرم^۹ او را فردی متبحر در سرودن شعر برای ماده تاریخ معرفی می‌کند (اعتضادالسلطنه، ۱۲۸۴ق: نمره ۹). یکی از این ماده تاریخ‌ها متعلق به شمس‌العماره است^{۱۰} که بر اساس حروف ابجد ۱۲۸۱ق یعنی تاریخ ابتدای ساخت بنا است. محتمل است در ذهن خواننده چنین خطور کند که این نوع ذکر تاریخ به ابجد، معمولاً شامل زمان خاتمه انجام کاری است لیکن میرزا خلیفه در مراسم کلنگ‌زنی توسعه شهر تهران نیز در سال ۱۲۸۴ق با سرودن بیته^{۱۱} شروع به کار این پروژه را اعلام می‌دارد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ج: ۳: ۱۵۶۶-۱۵۶۷).

محمودخان ملک‌الشعرا هم تابلویی از عمارت بادگیر به تاریخ ۱۲۸۱ق کشیده است (تصویر ۸) که ذکاء زاویۀ دید نقاش را از بالای شمس‌العماره می‌داند (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۸۰).



تصویر ۶. ابتدای بنای شمس‌العماره (مأخذ: عکس شماره ۲۵، آلبوم ۱۸۸، مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).



تصویر ۷. شمس‌العماره (مأخذ: عکس شماره ۲۶، آلبوم ۱۸۸، مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).

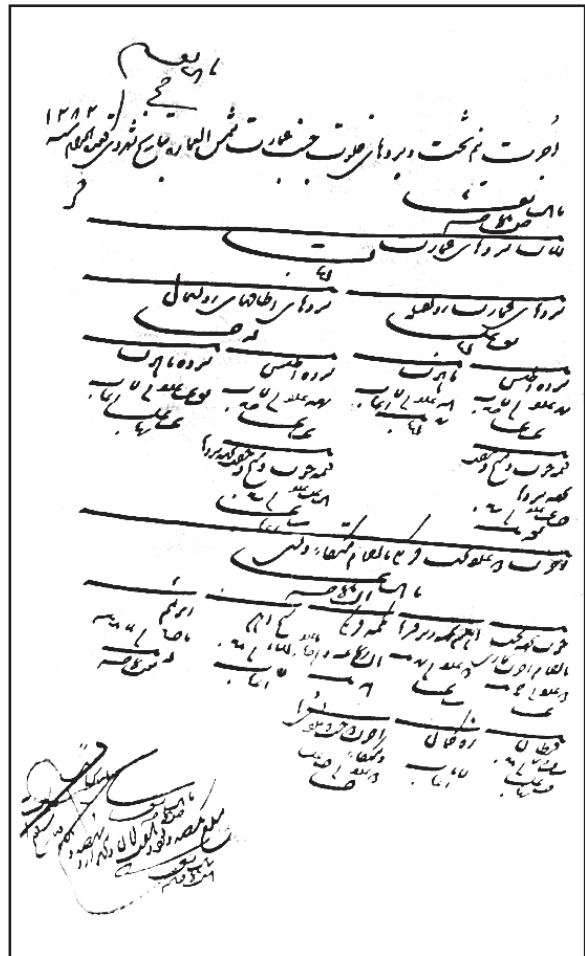


تصویر ۸. تابلو عمارت بادگیر اثر محمودخان ملک‌الشعرا (محل نگهداری: موزۀ نگارخانۀ کاخ گلستان).

علل این اشتباه تاریخی

اعتمادالسلطنه نخستین کسی است که در مورد تاریخ احداث شمس‌العماره در کتاب‌هایش از جمله *مرآت‌البلدان* (۱۲۹۴ق)، *تاریخ منتظم ناصری* (۱۲۹۸ق) و *المآثر و الآثار* (۱۳۰۶ق) سخن می‌گوید. او در مقدمه *مرآت‌البلدان* که تاریخ تألیفش نزدیک‌ترین تاریخ به احداث شمس‌العماره است عنوان می‌دارد که در مدت ۹ ماه و با توسل به منابع مختلف مدارک لازم جهت نگارش کتابش را گردآوری نموده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ج: ۲: مقدمه). از این مطلب دو نکته استنباط می‌شود؛ اولاً در استخراج اطلاعات از منابع دیگر، احتمال اشتباه وجود دارد و ثانیاً اگر شخصاً در هنگام وقوع امری حضور نداشته باشد، درصد اشتباه نیز افزایش می‌یابد. اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۸۰ق به پاریس عزیمت می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ج: ۳: ۱۴۴۵؛ صنیع‌الملک، ۱۲۸۰ق: نمره ۵۵۱) و در رمضان سال ۱۲۸۳ق به ایران و دارالخلافه بازمی‌گردد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ج: ۳: ۱۵۲۱). البته محققانی همچون مرحوم ایرج افشار در مقدمه کتاب *المآثر و الآثار* و مهدی بامداد در کتاب *شرح حال رجال ایران* در قرن ۱۲، ۱۳، ۱۴ هجری سال بازگشت او را ۱۲۸۴ق ذکر کرده‌اند که جای بسی تعجب دارد. در هر صورت با کمی دقت متوجه می‌شویم که او در هنگام ساخت شمس‌العماره در ایران نبوده است. پس استنباط می‌شود که در این زمینه اشتباهی رخ داده است. البته امکان دارد این طور فرض شود که ساخت بنا در سال ۱۲۸۳ق به اتمام رسیده ولی انجام تزیینات داخلی به سال بعد کشیده شده باشد. لیکن این امر دور از ذهن است که بنایی نیمه‌تمام را برای مراسم تحویل سال نو (نوروز)، آن هم در مقابل شخصی همچون ناصرالدین‌شاه اختصاص داده باشند. پس نتیجه می‌گیریم که شمس‌العماره در سال ۱۲۸۳ق یعنی مطابق با تاریخ کتیبه ساخته و افتتاح شده است.

اما چرا با آنکه اعتمادالسلطنه در مورد تاریخ اشتباه کرده، معیرالممالک (سازنده بنا) و یا سروش اصفهانی (سراینده اشعار) عکس‌العملی نشان نداده‌اند؟ همگان بر این امر واقف هستند که یکی از منابع اطلاعاتی معتبر در مورد وقوع یک



تصویر ۹. سند ۵۸۹۲۲

(مأخذ: مرکز اسناد خطی کاخ گلستان).

هم‌چنین در مرکز اسناد خطی کاخ گلستان سندی با عنوان «اجرت نیم تخت و پرده‌های خلوت جنب عمارت شمس‌العماره بتاریخ شهر ذیقعدة الحرام سنه ۱۲۸۲»^{۱۳} موجود است که حکایت از آن دارد که در این تاریخ چنین بنایی وجود داشته و یا در حال ساخت بوده است (تصویر ۹). با این تفاسیر استنباط می‌شود، احداث بنا در سال ۱۲۸۱ق آغاز و حدود دو سال بعد در سال ۱۲۸۳ق به پایان می‌رسد. لازم به ذکر است که عدد ۱۲۸۳ به حساب ابجد (جُمَّل) «کاخ شاهنشاه» می‌شود. البته ذکاء آن را «کاخ شاهنشاه» (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۷۰) می‌خواند که به حساب ابجد برابر با ۱۲۸۴ می‌شود و این اشتباهی است که تمام مورخان مرتکب آن شده‌اند و باید در متون تاریخی تصحیح شود.

این امر لازم است ابتدا محل نصب آن در بنا مشخص شود.

محل نصب کتیبه در بنا

این گونه کتیبه‌ها به دلیل درج نام شاه، در بهترین و زیباترین قسمت بنا نصب می‌شدند تا کاملاً در معرض دید باشند. در شمس‌العماره، تالار اصلی (شاه‌نشین) و یا ایوان جلوی تالار چنین قابلیتی دارند و ضمناً به گواه اندازه‌شان (حدود ۲۴ متر)، فقط همین دو قسمت قابلیت نصب چنین کتیبه‌ای را داشته‌اند که نمونه آن در تالار آیینه کاخ گلستان نیز دیده می‌شود.

اولین تصویر کامل‌شده از شمس‌العماره، نقاشی محمودخان ملک‌الشعرا به سال ۱۲۸۵ق یعنی دو سال بعد از ساخت بناست. با دقت در ایوان بنا که به طور کامل گچکاری و گچبری شده است، اثری از کتیبه نمایان نیست. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که کتیبه در تالار اصلی (شاه‌نشین) عمارت نصب شده باشد (تصویر ۱۰).

علل حذف کتیبه از بنا

بر طبق مدارک موجود قصد ناصرالدین شاه از ساخت این بنا، دیدن دورنمای شهر و مناظر اطراف بوده است (معیرالممالک،

رخداد تاریخی، روزنامه‌ها هستند، ولی هیچ مطلبی از تاریخ احداث شمس‌العماره در روزنامه‌های آن دوره دیده نمی‌شود. بالطبع اعتمادالسلطنه برای تحریر کتب خویش همچون مرآت البلدان (۱۲۹۴ق)، تاریخ منتظم ناصری (۱۲۹۸ق) و المآثر و الآثار (۱۳۰۶ق) به منابعی غیر از روزنامه‌ها توسل جسته و از آنجا که هنگام تحریر این کتب دوستعلی‌خان معیرالممالک و سروش اصفهانی حیات نداشته‌اند و همچنین گذشت زمان بسیار از ساخت بنا، با وجود چنین اشتباه محرزی، کسی از آن مطلع نشده است.

اثبات نصب بودن کتیبه در بنا

تصویر می‌شود به سبب تفاوت تاریخ کتیبه (۱۲۸۳ق) با زمان افتتاح بنا که در کتب آن دوره سال ۱۲۸۴ق نوشته شده، کتیبه از ابتدا در بنا نصب نشده باشد. اما به دلایلی این تصور برطرف می‌شود. زیرا اولاً بر روی شیشه کتیبه آثار گچ دیده می‌شود که دلیل محکمی برای نصب آن در جایبست و ثانیاً اگر تغییری در زمان افتتاح بنا رخ داده بود، شخصی چون دوستعلی‌خان معیرالممالک به جای حذف کتیبه، مطمئناً دستور به تصحیح آن می‌داد. اکنون با اثبات این موضوع، دلیل جداسازی کتیبه از بنا را بررسی می‌کنیم، لیکن برای

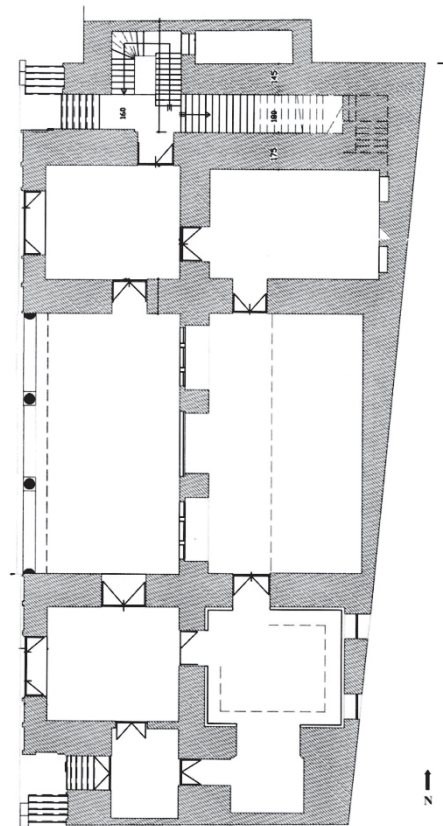


تصویر ۱۰. شمس‌العماره به سال ۱۲۸۵ق، اثر محمودخان ملک‌الشعرا (مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).

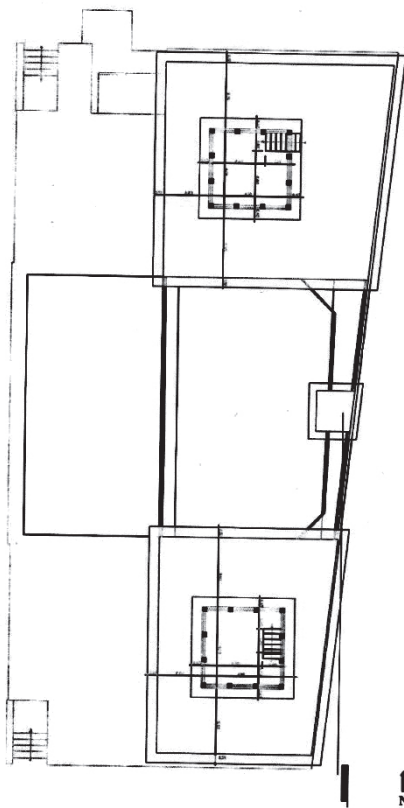
۱۳۶۱: ۴۳) نه انجام مراسم خاص درباری. معیرالممالک نیز در راستای همین نیت شاه، تمام هم و غم خود را معطوف ساخت بنایی بلندمرتبه می‌کند. او از تزیینات وقت‌گیر صرف نظر می‌کند تا عمارت در کمترین زمان آماده شود. او بعد از تکمیل بنا می‌توانست با اشیاء منحصر به فرد و گران قیمت آن را تزیین کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷ ج ۳: ۱۵۶۷؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳ ج ۱: ۸۳-۸۴ و ۱۰۵). او طرح خویش را با معمار ماهر آن زمان، علی محمد کاشی در میان می‌گذارد و استاد نیز با دقت کار خویش را آغاز می‌کند. او زمینی دارد به شکل تقریباً دوزنقه (تصویر ۱۱) که در سمت شمال پهن‌تر از سمت جنوب است. استاد آن چنان با ظرافت از فضاها استفاده می‌کند که هر دو برج شمس‌العماره چه از داخل و چه از خارج، روی یک خط صاف قرار می‌گیرند و فقط با دقت فراوان می‌توان تشخیص داد که دو برج با یکدیگر هم‌اندازه

نیستند و برج شمالی از قرینه خود در سمت جنوب بزرگتر است (تصویر ۱۲). او سمت شمال را برای برقراری ارتباط با طبقات بالا انتخاب می‌کند و با ایجاد دو پلکان این کار را عملی می‌سازد. او شمس‌العماره را ظرف دو سال آماده می‌کند. اما مهم‌ترین نکته، ورودی اصلی بناست که پلکان بزرگی است که حیاط را به ایوان متصل می‌سازد.

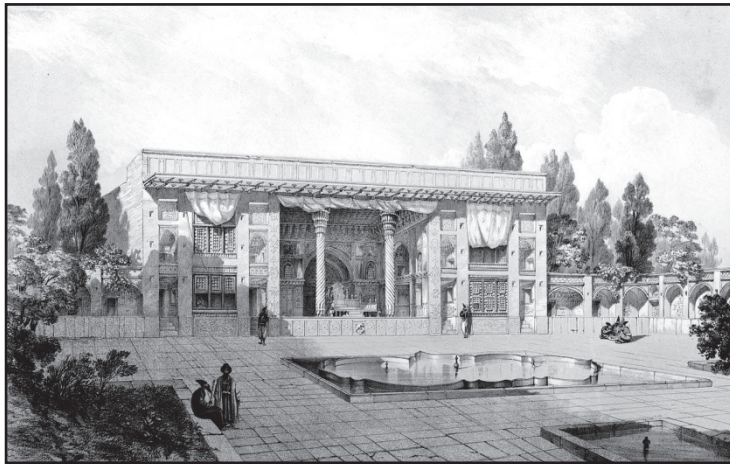
نگارنده بر اساس مدارک مستدل، معتقد است که دسترسی به ایوان و تالار اصلی در بناهایی که برای مراسم سلام مورد استفاده قرار می‌گرفتند از طریق اتاق‌های گوشواره بوده است نه مستقیماً توسط پلکانی از حیاط به ایوان که نمونه‌هایی از آن در بناهایی همچون تخت مرمر، قصر گلستان، و عمارت بادگیر در محوطه کاخ گلستان دیده می‌شود (تصویر ۱۳). صنایع‌الملک در سه سال متوالی خبر از برپایی سلام خاص عید نوروز در تالار جدید الاحداث شمس‌العماره می‌دهد



تصویر ۱۱. پلان طبقه همکف شمس‌العماره (مأخذ: ارشیو دفتر فنی کاخ گلستان).



تصویر ۱۲. پلان برج‌های شمالی و جنوبی شمس‌العماره (مأخذ: ارشیو دفتر فنی کاخ گلستان).



تصویر ۱۳. نمای تخت مرمر اثر اوژن فلاندن بین سال‌های ۱۲۵۶-۱۲۵۷ق (مأخذ: فلاندن، ۱۳۵۶).

به ایشان برسد. بنا بر این محلی برای استقرارشان تدارک دیده شود. در نتیجه نیاز به تزئینات بیشتر و پرطمطراق‌تری همچون آینه‌کاری در تالار شاه‌نشین و دو اتاق گوشواره جنوبی احساس می‌شود. البته بنا به مدارکی اتاق گوشواره شمالی به عنوان تلگراف‌خانه شخصی شاه مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^{۱۵} سقف به خاطر آینه‌کاری و نیز برای سبک کردن آن جهت قرار گرفتن قاب‌های آینه به صورت شیروانی ساخته شده است (تصویر ۱۴).

نویسنده اعتقاد دارد که آینه‌کاری تالار اصلی و اتاق‌های گوشواره جنوبی نیز همزمان با آینه‌کاری ایوان صورت

(صنیع‌الملک، روزنامه دولت علیه ایران، ۵ ذیحجه الحرام ۱۲۸۳ق و اول ذیحجه الحرام ۱۲۸۴ق و ۲۵ ذیحجه الحرام ۱۲۸۵ق) که نشانگر علاقه شاه به کاخ تازه‌بنیانش است و این علاقه ایجاب می‌کرده که در آن تغییراتی ایجاد شود.

برای بنایی که هدف از ساختنش تماشای مناظر اطراف توسط شاه بود، اتفاق دیگری می‌افتد؛ شاه اراده می‌کند در بلندترین بنای پایتخت، مراسم سلام‌های نوروزی برگزار شود. مراسم سلام آداب خاص خود را می‌طلبد. دسترسی به تالار اصلی و ایوان می‌بایست از اتاق‌های گوشواره صورت پذیرد^{۱۴} و ضمناً مدعوین باید مدتی به انتظار می‌ایستادند تا نوبت



تصویر ۱۴. نمایی از شمس‌العماره در سال ۱۲۹۴ق بعد از تغییرات در ایوان و سایر قسمت‌ها (مأخذ: عکس ۱۵، آلبوم ۱۴۴، مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).

گوشواره جنوبی دیده می‌شود حکایت از قدمت آنها دارد (تصاویر ۱۵ و ۱۶ و ۱۷).

از سال ۱۲۸۶ ق خبری از برگزاری سلام‌های خاص در شمس‌العماره نیست که علت مهم آن همزمانی عید نوروز با ماه‌های محرم و صفر است. بعد از این تاریخ نیز اکثراً سلام‌های خاص در تالار عجاج برگزار می‌شد. قاضی‌ها در مقاله‌ای از برگزاری مراسم جشن نوروز در شمس‌العماره در سال ۱۲۹۱ ق خبر می‌دهد (قاضی‌ها، ۱۳۸۶، نشریه بخارا، شماره ۶۴، ص ۱۸۳-۱۷۲) که حکایت از اتمام تغییرات در تزیینات بنا دارد. بنا بر این مابین سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۰ ق است که تغییرات انجام می‌پذیرد و کتیبه برداشته می‌شود. لازم به ذکر است که در سال ۱۲۸۵ ق سرورش اصفهانی، سراینده اشعار کتیبه و در اوایل سال ۱۲۹۰ ق معیرالممالک سازنده بنا از دنیا می‌رود. حتی اگر تصور کنیم که ناصرالدین‌شاه از نصب چنین کتیبه‌ای دلخور شده و حاضر نبوده جز نام خودش نام دیگری در آن ذکر شود، باید بپذیریم که او شاه و نفر اول مملکت بوده و در طرفه‌العینی می‌توانسته دستور به برداشتن آنها دهد و اگر این کار صورت گرفته بود، کتیبه توسط شخص معیرالممالک برداشته و در اختیار خودش قرار می‌گرفت نه در انبارهای کاخ گلستان. ولی ناصرالدین‌شاه نه تنها رنجشی از دوستعلی‌خان به دل نگرفته، بلکه در سال ۱۲۸۸ ق او را ملقب به نظام‌الدوله کرد و به ریاست وزارت مالیه منصوب کرد. کتیبه در سال ۱۲۹۰ ق از محل جدا می‌شود و بعید به نظر می‌رسد خراب شدنش علت این جداسازی باشد. زیرا اگر ناصرالدین‌شاه خواستار نصب مجدد آن بود، دستور به مرمتش می‌داد.

البته فرضیه‌ای نیز وجود دارد که این کتیبه در زمان مرمت شمس‌العماره در دوره پهلوی دوم برداشته شده است اما از آن جهت که این مرمت‌ها زیر نظر افرادی بسیار خیره و متعهدی صورت گرفته که حتماً سعی در حفظ آن بر روی بنا می‌کرده‌اند؛ همان‌گونه که در تالار آیینه‌کاخ گلستان این کار صورت پذیرفته است. ضمناً مرمت‌های مذکور در سال ۱۳۵۰ ش صورت گرفته که قبل از آن مرحوم ذکاء از بناهای کاخ گلستان بازدید کرده ولی در کتابش^{۱۶} که سال

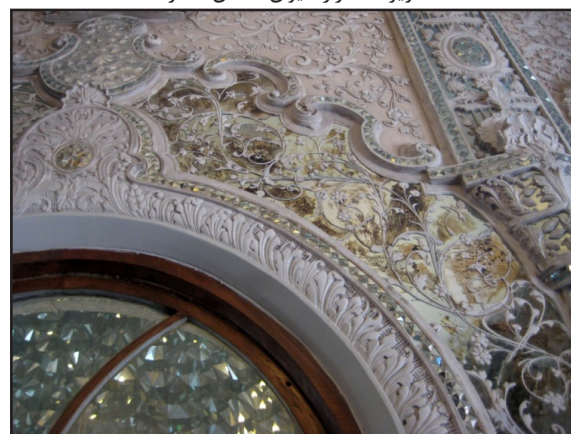
پذیرفته است. زیرا ازاره‌های یکی از اتاق‌های گوشواره جنوبی با ازاره‌های ایوان یکی است (البته ازاره‌های اتاق رنگ‌آمیزی شده است) و ضمناً ریختگی‌هایی که در آینه‌های اتاق‌های



تصویر ۱۵. ازاره اتاق گوشواره جنوبی شمس‌العماره.



تصویر ۱۶. ازاره ایوان شمس‌العماره.



تصویر ۱۷. ریختگی آینه‌ها در اتاق گوشواره جنوبی شمس‌العماره (عکس از نگارنده).



تصویر ۱۹. طاق‌نمای موجود در مدخل اتاق گوشواره جنوبی شمس‌العماره (عکس از نگارنده).

بوده اند (تصویر ۷). در تابلوی محمودخان ملک‌الشعرا از شمس‌العماره در سال ۱۲۸۵ق، دیوار جنب شمس‌العماره در سمت جنوب، انگار دیواری است با تزیینات کاشی‌کاری و طاق‌نما (همان‌گونه که در قسمت‌های دیگر ارگ هم اکنون نیز دیده می‌شود) که دارای شیروانی است. البته بعضی از شیروانی‌ها نیز برداشته شده اند (تصویر ۱۰).

ابتدا تصور شد این قسمت راهروی است که بین شمس‌العماره و باب عالی قرار دارد و آنها را به هم متصل می‌سازد و برداشتن بعضی از شیروانی‌ها برای ورود نور به دالان و بالطبع از پنجره‌ها به اتاق‌های گوشواره جنوبی بوده است، لیکن با کمی دقت و بزرگ‌تر کردن تابلوی محمودخان ملک‌الشعرا معلوم شد دیواری در جلو وجود ندارد و طاق‌نماهای دیوار پشتی هستند که در تصویر دیده می‌شوند. و این فرضیه نورگیری اتاق‌های گوشواره را از پنجره‌ها تا این تاریخ (۱۲۸۵ق) تأیید می‌کند؛ یعنی پنجره‌ها تا آن تاریخ همچنان مورد استفاده قرار می‌گرفتند (تصویر ۲۰).

۱۳۴۹ش به چاپ رسانده هیچ مطلبی از این کتیبه عنوان نکرده است. در صورتی که اگر کتیبه در جای خود مستقر بود (مانند کتیبه تالار آینه) ذکاء آن را معرفی می‌کرد. کتیبه بعد از برداشته شدن به عنوان جزئیاتی از معماری ساختمان در انبارها نگهداری می‌شده است و شاید در همین سال‌ها به علت نم و رطوبت و یا علل دیگر تعدادی از آنها متأسفانه از بین رفته است.

در دو اتاق گوشواره جنوبی که هم اکنون تزیینات آینه‌کاری دارند، دو طاق‌نما دیده می‌شود که در متون تاریخی و معاصر، هیچ‌گونه توضیحی درباره ایجاد آنها وجود ندارد. یکی از طاق‌نماها با دری به فضایی که هم‌اکنون مرکز آی تی (IT) کاخ گلستان است، مرتبط است (تصاویر ۱۸ و ۱۹).

در عکس شماره ۲۶ آلبوم ۱۸۸، متوجه می‌شویم که دو پنجره بر بدنه جنوبی در طبقه همکف بنا تعبیه شده است که روشنایی این دو اتاق را فراهم می‌کرده اند و بالطبع این دو اتاق به خاطر نورگیر بودن دارای اهمیت بیشتری

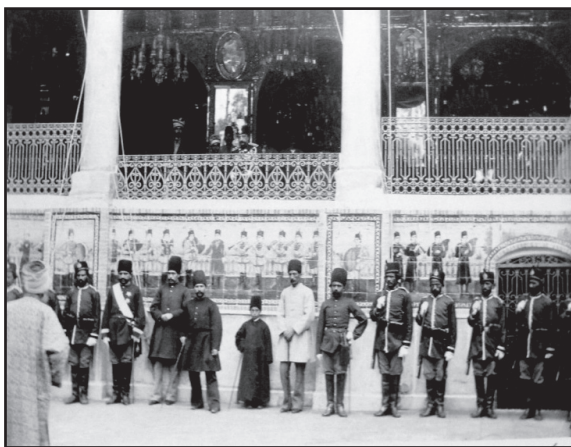


تصویر ۱۸. طاق‌نمای اتاق گوشواره جنوبی شمس‌العماره (عکس از نگارنده).



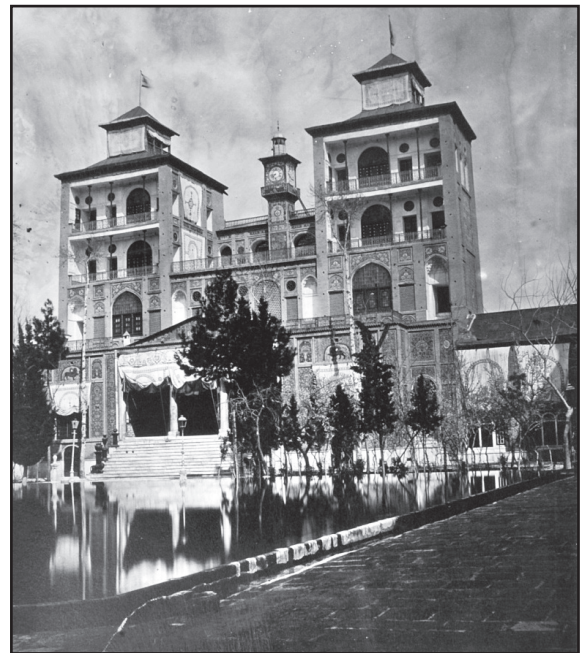
تصویر ۲۰. بزرگنمایی تابلوی شمس‌العماره اثر محمودخان ملک‌الشعرا (مأخذ: مرکز اسناد تصویر کاخ گلستان).

استفاده قرار گرفته اند (تصاویر ۲۱). در عکس دیگری می‌بینیم که پلکان جلویی ایوان نیز دیگر وجود ندارد و این موید آن است که در این بنا نیز مانند دیگر بناهای ایوان‌دار، برای دسترسی به ایوان از اتاق‌های گوشواره راهی بدان گشوده می‌شود (تصویر ۲۲). دو عکس از شمس‌العماره در کتاب تهران در تصویر تألیف آقایان ذکاء و سمسار و خادم موجود است که توسط علی‌خادم و اسدالله پروین انداخته شده است. در عکس‌ها خبری از استخر جلوی شمس‌العماره نیست. با توجه به اینکه

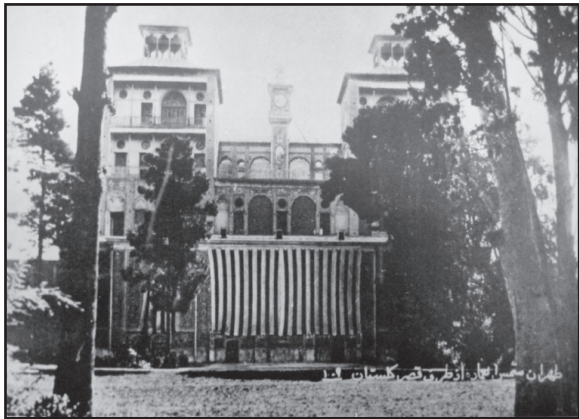


تصویر ۲۲. ایوان شمس‌العماره در عید رمضان سال ۱۳۱۰ق (مأخذ: عکس ۲۳، آلبوم ۳۲۳، مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).

ولی در تصاویر زمان‌های بعد دیده می‌شود که این راهرو تغییر کاربری داده و بنایی به جای آن احداث شده که دری رو به حیاط ندارد و پنجره‌های آن با پرده‌هایی پوشیده شده است. در این زمان است که پنجره‌ها مسدود شده و یا تغییر کاربری داده و به مثابه دری برای ارتباط دو فضا مورد



تصویر ۲۱. شمس‌العماره در قسمتی از عکس شماره ۴، آلبوم ۲۰۹ (مأخذ: مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان).



تصویر ۲۴. نمای شمس‌العماره
(مأخذ: تهران در تصویر، عکاس: اسدالله پروین).



تصویر ۲۳. نمای شمس‌العماره
(مأخذ: تهران در تصویر، عکاس: علی خادم).

البته کوچک‌تر از پلکان اولیه) در جلوی عمارت ساخته می‌شود که بعدها در دوره جمهوری اسلامی توسط مدیریت وقت کاخ گلستان و مبتنی بر منطق درست، برداشته می‌شود (تصویر ۲۵).

محل نصب کتیبه در تالار اصلی (شاه‌نشین)

عکسی در صفحه ۲۷۵ کتاب تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان وجود دارد (تصویر ۲۶) که بعد از تغییرات ایجادشده در تزیینات تالار اصلی شمس‌العماره، انداخته شده است. در این تصویر در بالای

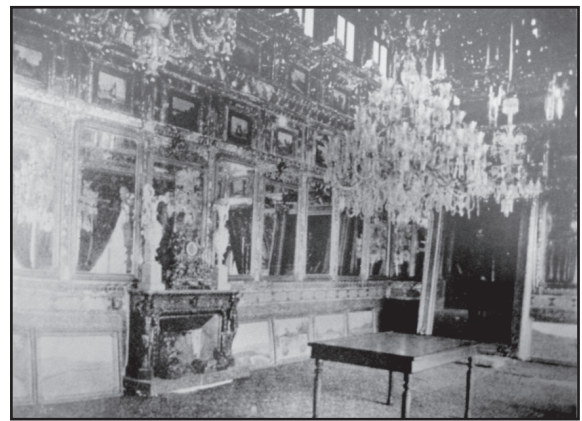
مرحوم یحیی ذکاء در تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی و راهنمای کاخ گلستان (یحیی ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۶۷) عنوان می‌کند که استخر جلو عمارت بادگیر و شمس‌العماره در اوایل سلطنت پهلوی اول به علت اینکه پشه فراوان تولید می‌کرد، پر شد، بنا بر این دو عکس متعلق به دوره پهلوی اول است. در این عکس‌ها جهت شیروانی تغییر کرده و شیب آن از جهت شرقی - غربی به جهت شمالی - جنوبی چرخیده است (تصاویر ۲۳ و ۲۴).

لازم به ذکر است که در زمان تاج‌گذاری پهلوی دوم (احتمالاً بین سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ش) دوباره پلکانی



تصویر ۲۵. شمس‌العماره با پلکان جلوی ایوان که در دوره پهلوی اول ساخته شده است (مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱).

ازاره‌ها، قاب‌هایی همانند قاب‌های کتیبه مذکور دیده می‌شود. اما رنگ غالب قاب‌های کتیبه، لاجوردی است قاعدتاً در یک عکس سیاه و سفید باید تیره دیده شود ولی رنگ قاب‌های موجود در عکس مذکور روشن است. از طرفی قرار گرفتن کتیبه، مطابق با عکس مذکور، باعث انقطاعش توسط شومینه می‌شده است که منطقی نیست و از همه مهم‌تر برای سازندگان بنا، وجود نام شاه است که نباید در قسمت پایین دیوار قرار گیرد. با این تفاسیر و با توجه به محل قرار گرفتن کتیبه تالار آینه، استنباط می‌شود که این کتیبه نیز در بالای دیوار قرار گرفته باشد.



تصویر ۲۶. نمایی از تالار شاه‌نشین شمس‌العماره (مأخذ: ذکاء، ۱۳۴۸: ۲۷۵).

طول هر بیت کتیبه با احتساب شیشه حدود ۷۸ سانتیمتر است. بنا بر این طول ۳۰ بیت کتیبه نهایتاً ۲۴ متر می‌شود ولی تالار تقریباً ۱۲ متر طول و ۷ متر عرض دارد که محیط آن ۳۶ متر می‌شود. با این تفاسیر طول کتیبه کمتر از محیط تالار خواهد بود. خالی بودن یکی از طول‌ها تالار از آرایه خط نیز با توجه به قرینه‌سازی در معماری ایرانی بعید به نظر می‌رسد. اما در زیر پنجره‌های تالار اصلی، تزییناتی به صورت نیم‌ستون دیده می‌شود که فاصله بین آنها حدود ۹۰ سانتی‌متر است. این فضا با اندازه هر بیت کتیبه همخوانی دارد اما نکته مهم تعداد این فضاهاست که دقیقاً ۳۰ قسمت است و با تعداد قاب‌های کتیبه مورد نظر برابر است (۹ عدد در طول‌ها و ۶ عدد در عرض‌ها) (تصویر ۲۷).

با توجه به آنچه در تالار آینه رعایت شده، بیتی که نام ناصرالدین‌شاه در آن وجود دارد^{۱۷} باید وسط ضلع دیوار در بالای شومینه یا بالای درهای ورودی (ضلع غربی تالار) قرار گیرد، تا شاه بتواند هم منظره باغ و مدعوین را نظاره‌گر باشد و هم در کنار شومینه بنشیند. اما تعداد ابیات سروش اصفهانی، در دیوانش ۲۹ بیت است و بیت حاوی نام ناصرالدین‌شاه، بیت نوزدهم است. بنا بر این معمار نمی‌توانسته با شروع ابیات از یک گوشه تالار بیت مذکور را در مرکز ثقل دیوار قرار دهد. لیکن در کتیبه، بیتی افزون بر دیوان سروش اصفهانی وجود دارد^{۱۸} که اگر آن را بین ابیات یک تا هیجده قرار



تصویر ۲۷. نمایی از تالار شاه‌نشین شمس‌العماره و محل قرارگیری کتیبه (عکس از نگارنده).

پس نتیجه گرفته می‌شود که سرآغاز کتیبه از گوشه جنوب شرقی بوده تا بیت حاوی نام ناصرالدین‌شاه در وسط دیوار ضلع غربی جا گیرد (تصویر ۲۸).

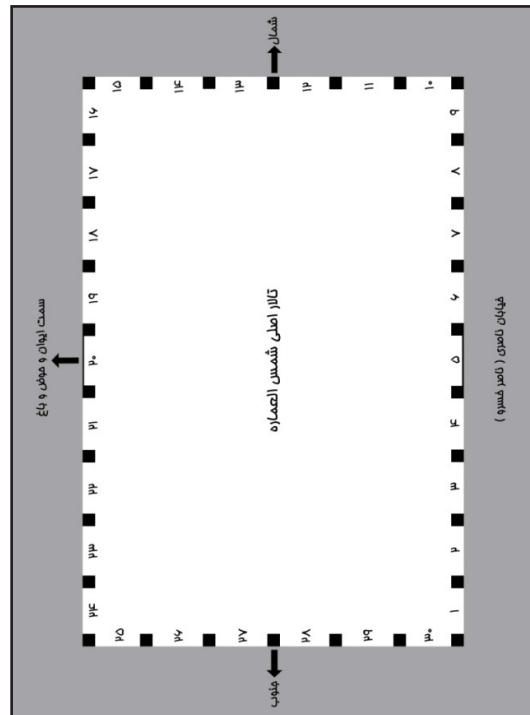
با توجه به شیوه نگارش کتیبه، استادان خوشنویسی^{۱۹} خطاط آن را میرزا غلامرضا خوشنویس^{۲۰} معرفی نموده‌اند. بعد از اینکه به میرزا غلامرضا تهمت بایی‌گری می‌زنند، ناصرالدین‌شاه به قتل او فرمان می‌دهد (راهجیری، ۱۳۵۵: ۸۴) اما به سبب شفاعت معیرالممالک (تصویر ۲۹) جان به در می‌برد و در پی همین ماجرا بین او و معیرالممالک دوستی عمیقی پدید می‌آید که خود دلیل محکمی برای تحریر کتیبه توسط او برای معیرالممالک است (تصویر ۳۰).

نتیجه‌گیری

این پژوهش که با شناسایی کتیبه شمس‌العماره آغاز گردید، در نهایت منجر به کسب نتایج شد که تا کنون به آن پرداخته نشده بود. تصحیح تاریخ احداث بنا (۱۲۸۳ق) که در متون تاریخی به اشتباه ۱۲۸۴ق ثبت شده بود، و بررسی روند تغییرات به‌وجودآمده در شمس‌العماره که به جهت



تصویر ۳۰. میرزا غلامرضا خوشنویس
(مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۳۸۳).



تصویر ۲۸. پلان تالار شاه‌نشین شمس‌العماره و نمایش محل قرار گرفتن ابیات کتیبه (ترسیم از: نگارنده).

دهیم، بیت حاوی نام ناصرالدین‌شاه، بیت بیستم می‌شود و معمار قادر بوده تا آن را در وسط دیوار ضلع غربی قرار دهد.



تصویر ۲۹. دوستعلی‌خان معیرالممالک به همراه فرزندش دوست‌محمدخان (مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان، آلبوم شماره ۱۸۸).

تعیین محل کتیبه صورت پذیرفت، می‌تواند سرلوحه‌ای برای پژوهشگران در زمینه‌های تاریخ، معماری و همچنین رجال دوره قاجار باشد. شناسایی میرزا غلامرضای خوشنویس به عنوان کاتب این کتیبه و بررسی زندگی او از دیگر دستاوردهای این پژوهش است. کتیبه مذکور بخشی از هویت تاریخی این بنا بوده که باید تکمیل و مجدداً در محل خود نصب شود. نگارنده طرحی برای نگارش قسمت‌های از بین رفته توسط استادان خوشنویس معاصر به همان سبک کاتب و نصب دوباره کتیبه در محل اصلی خود (تالار شاه‌نشین شمس‌العماره) ارائه داده است تا این امر علاوه بر نمایاندن هویت تاریخی بنا، راه‌گشای محققانی باشد که دیگر زوایای پنهان این بنای منحصر به فرد را مورد بررسی قرار می‌دهند و چراغ روشنی برای جلوگیری از اشتباهات تاریخی در آینده باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. این منظره فرخنده و این کاخ مشید/ از قصر خورنق به و از صرح ممرّد// بگشاده در منظره‌اش بر رخ ناهید/ بگذشته سر کنگره‌اش از سر فرقد// فردوس برین خوانم یا گنبد خضراش/ اندیشه من مانده در این هر دو مردّد// احسنت برین کاخ برین قصر دل افروز/ یا رب که بود کوتاه ازو حادثه را ید// ایمن بود از حادثه زیرا که بنایش/ چون چرخ زرین است و متین است و مسدّد// در ساعت بنیادش بهروزی جاوید/ در طالع بنیادش فیروزی سرمد// گر بر زبر بامش اندیشه کند قصد/ چندانکه شتابد نبرد راه به مقصد// کاخی به دل افروزی چون غرفه حورا/ باغی بدل آرایی چون خلد مخلّد// بشکفته درو نرگس چون چشم نگارین/ برسته درو سنبل چون زلف مجعد// خرم شود از نزهت او مردم غمگین/ روشن شود از دیدن او دیده مرمد// خود نیست کهن گشته جهان از در دیدار/ این شهره بنا بین که جهان‌یست مجدّد// آویخته بر هر در ازو پرده دیبا/ آویزه هر پرده گهرهای منضّد// بر کنگره‌اش دید توان حد سرانندیب/ پهنای سرایش را پیدا نبود حدّ// برگوشه افراشته بامش ز پی پاس/ باشد همه شب کیوان با چشم مسهّد// آن برکه نگر باد برانگیخته زو موج/ گویی که درو آب گلابیست مصعدّ// از آینه صافی دیوار و در کاخ/ مانند بناگوش و رخ لعبت امرد// پیداست درو صورت هر چیز همانا/ در عالم ترکیب جهان‌یست مجرّد//

چون بر فلک آینه‌گون طلعت خورشید/ تابنده درو طلعت سلطان موید// خورشید سلاطین جهان سایه یزدان/ بونصر ملک ناصر دین بن محمّد// شاهنشاه غازی مدد ملت تازی/ کاسلام قوی کرد بشمشیر مهتّد// در بارگهش جسته همه ناموران کام/ در پیشگهش سوده همه تاجوران خدّ// جمشید دگر باشد در صقه شاهی/ خورشید دگر باشد بر گوشه مسند// از بارگه او به در آیند بزرگان/ با دو لب پرخنده و با روی مورّد// ایام برآورده او را نکند پست/ افلاک پذیرفته او را نکند ردّ// تا مهر دهد روشنی و مشک دهد بوی/ تا روز بود ابیض و تا شب بود اسود// شادان بنشیناد درین کاخ همایون/ با حشمت و با دولت و اقبال موید// گنجور شهنشاه جهان دوستعلی‌خان/ افراخت به کیوان سر این کاخ مشید// در بندگی شاه جهان یافت بزرگی/ جاوید بماناد بدین حشمت و سودد// تاریخ برآوردن این کاخ سروشا/ هشتاد و سه افزون ز هزار آمد و دو صد.

۲. میرزا محمدعلی متخلص به سروش، شاعر معروف عصر ناصرالدین‌شاه قاجار به سال ۱۲۲۸ق در اصفهان به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در اصفهان سپری کرد. وی در جوانی سرودن شعر را آغاز کرد و در اوایل منشی، تخلص می‌کرد. میرزا محمد پس از سیر و سیاحت در شهرهای مختلف ایران نهایتاً به تبریز که مقر ولیعهد قاجار، ناصرالدین‌میرزا بود راه یافت و ملقب به شمس‌الشعرا شد. پس از فوت محمدشاه، به همراه ناصرالدین‌شاه به تهران آمد و تا زمان مرگ (۱۲۸۵ق) در دربار بود.

۳. باد از قبل باغ همی خیزد خوشبوی/ آمیخته پنداری با غالیه وند
۴. دوستعلی‌خان معیرالممالک بسطامی در سال ۱۲۳۶ق متولد شد. پس از مرگ پدر در سال ۱۲۷۴ق سمت خزانه‌داری و منصب معیرالممالکی و ریاست بیوتات را بر عهده گرفت. دوستعلی‌خان معیرالممالک در ۱۳ رجب سال ۱۲۸۸ق توسط ناصرالدین‌شاه به لقب نظام‌الدوله مفتخر شد. معیرالممالک در اوایل سال ۱۲۹۰ق در سن پنجاه و چهار سالگی به ناخوشی محرقه (تیفوس/ وبا) در تهران درگذشت.

۵. گنجور شهنشاه جهان دوستعلی‌خان/ افراخت به کیوان سر این کاخ مشید.

۶. مرکز اسناد تصویری کاخ گلستان.

۷. در خاندان معیرالممالک، دست کم سه نفر نام دوستعلی‌خان داشته‌اند. یکی دوستعلی‌خان نظام‌الدوله معیرالممالک (شخص مورد نظر این پژوهش)، دوم پدر بزرگش و سوم نوه

او. برای سهولت و پرهیز از اشتباه، پدربزرگ نظام‌الدوله را دوستعلی‌خان اول، نظام‌الدوله را دوستعلی‌خان دوم و نوه‌اش را دوستعلی‌خان سوم می‌نامیم. ضمناً لقب درباری نظام‌الدوله فقط به دوستعلی‌خان دوم اختصاص داشته است.

۸. مدیر مسئول و سردبیر روزنامه ملّتی که از سال ۱۲۸۳ق لغایت ۱۲۸۷ق از شماره ۱ تا ۳۴، به مدت پنج سال در دارالطباعة دولتی مدرسه مبارکه دارالفنون منتشر می‌شد. سه شماره اول این نشریه با عنوان روزنامه ملّت سنیه ایران، و ۳۳ شماره بعدی آن با عنوان روزنامه ملّتی انتشار یافته اند.

۹. خلیفه درس زبان مدرسه دارالفنون.

۱۰. شمس‌العماره نازد از قر سایه حق.

۱۱. طبع محرم با دل شاد از پی تاریخ گفت/ جاودان با فرّ یزدان باد شهر ناصری.

۱۲. آلبوم ۱۸۸، ۱۲۸۰-۱۲۸۱ق، عکس‌های ۲۶ و ۲۵.

۱۳. سند ۵۸۹۲۲، مرکز اسناد خطی کاخ گلستان.

۱۴. مخصوصاً گوشواره جنوبی، زیرا اتاق‌های گوشواره شمالی برای بالا رفتن به طبقات فوقانی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

۱۵. لازم به ذکر است که بنا به مدارک جدید به‌دست‌آمده از متون و کتب تاریخی (خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۳۳ و روزنامه خاطرات عزیزالسلطنه (ملیجک ثانی) ج ۲: ۱۱۷۷) تلگراف‌خانه شخصی ناصرالدین‌شاه در یکی از دو اتاق گوشواره شمس‌العماره واقع بوده که به احتمال زیاد اتاق گوشواره شمالی است.

۱۶. یحیی ذکاء، تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، ص -۲۷۷ ۲۷۰.

۱۷. خورشید سلاطین جهان سایه یزدان/ بونصر ملک ناصر دین بن محمّد.

۱۸. باد از قبل باغ همی خیزد خوشبوی/ آمیخته پنداری با غالیه وند

۱۹. ایرج نعیمایی، استاد خوشنویسی و عضو انجمن خوشنویسان ایران و سیدمحمّد مجتبی حسینی، رئیس موزه ملک و کارشناس خط.

۲۰. میرزا غلامرضا در سال ۱۲۴۶ق به دنیا آمد. میرزا در خاطراتش می‌نویسد که در هفت‌سالگی در رؤیایی صادقه به محضر امیرالمؤمنین علی(ع) شرفیاب شده و ایشان در وسط دفتر مشق او لام و الف و یایی می‌نویسند و از او می‌خواهد از روی آن بنویسد و همین آغاز کار خوشنویسی او می‌شود

(سهیلی خوانساری، ۱۳۶۹: مقدمه). ایشان همزمان با محمدرضا کلهر (۱۲۴۵-۱۳۱۰ق) می‌زیسته است. او خط نستعلیق را بسیار عالی، درست، کامل، و استادانه می‌نوشت و خصوصاً در فن کتیبه‌نگاری و ترکیب کردن کلمات شیوه‌ای ممتاز داشت و علاوه بر مراتب هنرمندی طبع شعر نیز داشت و گهگاه به گفتن نظم میل و رغبت می‌کرد و تخلص وی غزال بوده است. از آثار باقیمانده موجود وی درمی‌یابیم که علاوه بر قلم نستعلیق در خط شکسته نیز دارای مهارتی کامل بود. عادت و شیوه وی چنین بود که به جای امضا در ذیل آثار خویش گاهی خطوط خود را با رقم «یا علی مدد» یا «یا علی مدد است» مشخص می‌کرد. از دیگر رقمهای میرزا عبارت اند از: «غلام رضا»، «العبد المذنب الفقیرالحقیر غلام رضا غفر ذنوبه وستر عبوبه»، «الفقیر غلام رضا» (راهگیری، ۱۳۵۵: ۸۴). میرزا غلامرضا بسیاری از حروف و کلمات قطعات خود را دورگیری می‌کرد. برای دورگیری از مرکب خاصی که کمرنگ‌تر و مات‌تر از مرکب اصلی اثر بود، کمک می‌گرفت (قدیمی، ۱۳۸۳: ۵۰).

۲۱. تاریخ ترقیم و سبک خوشنویسی (روش ترکیب، شاکله مفردات، و...) گواه این است که خط نوشته‌شده به رقم میرزا غلامرضا اصفهانی (طاب ثراه) است. لیکن به خاطر پیاده‌سازی خط توسط مذهب و سرعت قلم آن، تغییرات مشهودی در شیوه خوشنویسی پدید آمده که مانع تشخیص نیست. استدعای عاجل می‌رود که مسئولان صاحب نظر و کاردان و دلسوز کاخ گلستان، این کتیبه‌ها را به زودی در نوبت مرمت قرار داده، خطوط را از شیشه جدا کنند تا عمر قطعات بیشتر شود.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. ج ۱، ۲، ۳. به کوشش محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۱). چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، المآثر و الآثار. ج ۱، ۲، ۳. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۵۰). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه در بین سال‌های ۱۲۹۲ق تا ۱۳۱۳ق. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷). مرآت البلدان. ج

- صنيع الملک غفاری، ميرزا ابوالحسن خان. (۱۲۸۳ق). روزنامه دولتی. نمره ۶۰۱.

- فلانندن، اوژن. (۱۳۵۶). سفرنامه اوژن فلانندن به ايران. ترجمه حسين نورصادقی. تهران: اشراقی.

- قاضيهها، فاطمه. (آذر و اسفند ۱۳۸۶). «مراسم جشن نوروز به روايت ناصرالدين شاه». بخارا، ش ۶۴، ص ۱۸۳-۱۷۲.

- قدیمی، رامین. (مرداد و شهریور ۱۳۸۳). «گذری بر شیوه میرزا غلامرضا اصفهان». در کتاب ماه هنر، ش ۷۱ و ۷۲، ص ۵۰-۵۳.

- معیرالممالک، دوستعلی خان. (۱۳۶۱). یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدين شاه. تهران: چاپخانه نقش جهان.

- معیری (محسور)، محمدعلی. (۱۳۵۲). «شمس‌العماره و باغ معیر». در یغما، ش ۳۰۵، ۶۴۸-۶۵۱.

۲، ۳. به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.

- اعتضادالسلطنه، علی‌قلی میرزا. (۱۲۸۴ق). روزنامه ملتی. نمره ۹. بامداد، مهدی. (۱۳۴۷). شرح حال رجال ايران در قرون ۱۲، ۱۳، ۱۴. ج ۱، ۲، ۳، ۴. تهران: زوار.

- تیموری، کاوه. (پاییز ۱۳۹۰). «زیبایی‌شناسی در شیوه میرزا غلامرضا اصفهانی». در فصلنامه رشد آموزش هنر، ش ۱، دوره نهم، ص ۳۶-۴۵.

- ذکاء، یحیی. (۱۳۴۹). تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان. تهران: انجمن آثار ملی.

- راهگیری، علی. (شهریور ۱۳۵۵). «غلامرضا اصفهانی». در ماهنامه هنر و مردم، ش ۱۶۷، ص ۸۴-۸۸.

- سروش اصفهانی، محمدعلی خان. (۱۳۴۰). دیوان سروش اصفهانی. به اهتمام محمدجعفر محجوب. ج ۱. تهران: امیرکبیر.

- سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۶۹). مرقع نگارستان. تهران: پاژنگ.